

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید بهشتی

۱۶ جنوری ۲۰۲۰

یادواره چلینج دروغگوئی



ترمپ در باره ادعاهای کذب خود، از اطلاعات بدیل سخن می گوید و درستی اطلاعات در نظر او بستگی دارد به این که مطابق میل او باشد یا نه و هنگامی که لازم باشد اطلاعات بدیل را با تویت‌هایش منتشر می‌سازد. حال او در مورد خبر زدن هواپیما ایران را دروغگو می‌خواند. این جز ریاکاری نیست.

۱۱ جنوری ۲۰۲۰ - تازه از تظاهرات ضد جنگ بازگشته بودم. ساعت ۱۱ صبح مقابل براندربورگر تیر در برلین بود. به تخمین من حدود ۲۰۰ نفر آمده بودند و آقای مسرت هم صحبت کرد. به مناسبت تقابل میان ایران و امریکا پس از ترور قاسم سلیمانی در عراق توسط پهپاد امریکائی در ۳ جنوری و سپس تلاشی هواپیمای اوکرائینی در تهران در ۸ جنوری. تظاهرات ساعت ۱۱ آغاز گشت و تا ۱۲ و ۲۰ دقیقه ادامه داشت.

من زود از خواب بیدار شده بودم و دیگر نمی‌توانستم بخوابم زیرا همه اش در این فکر بودم که این دیگر چه داستانی است. در این موقعیت، ناگهان یک هواپیما با ۱۷۰ - ۱۸۰ سرنشین در تهران متلاشی می‌شود و ترمپ و پمپئو، هر کدام به دنبال آن تفسیری را در دنیا پخش می‌کنند. ترمپ که همه اش به تهدید و تحقیر ایران می‌پرداخت یکبارہ می‌گوید از قرار معلوم ایرانی‌ها از روی اشتباه این هواپیما را زده‌اند، فکر کرده‌اند هواپیمای نظامی یا هر چیز دیگر بوده است و پمپئو که همه اش بر طبل جنگ می‌کوبد باز به تحقیر و تهدید ادامه داده است.

به محل که رسیدم یکی از بچه‌ها گفت شنیدی که ایران که تا حال زدن هواپیما را نفی می‌کرد دیشب درآمده و گفته کار خود ما بوده؟ خلاصه دیشب خیلی در فکر بودم و خوابم نمی‌برد. خواستم فکرم را بنویسم تا در تظاهرات افکار دیگر بر من القاء نشود. اما وقت نبود. فکرم این بود که بعد از ترور سلیمانی، با دوری که از نظر خبری و تبلیغاتی به دست ایران در مقابل امریکا افتاده بود، حال بعد از سقوط هواپیما و تفسیرهایی که می‌شد و دستپاچگی مسؤلان در ایران

وضع برگشته و حالا امریکا دور می‌گیرد. حتماً فکر می‌کردم میان مواضع ترمپ و پمپئو می‌توان اختلافی را بین این دو تشخیص داد که گویا ترمپ می‌خواهد از تنش‌ها بکاهد و نشان دهد مخالف جنگ است و پمپئو همچنان بر دشمنی و تحقیر پافشاری می‌کند.

این فکر را نیز داشتم که باید توجه داشت که جوّ خبری در دست امریکاست و هر چه بخواهد می‌تواند روی خبرها سوار کند، هر چقدر هم که حقه بازی و دروغ آشکار باشد. علاوه بر آن باید توجه داشت که گذشته از حقیقت یا کذب مطلب، همین که خبر پخش شد و در اذهان جای گرفت، آنهم به این شدتی که جوّ خبری و اطلاعاتی دست امریکاست، این خود تبدیل می‌شود به یک واقعیت ذهنی که زمینه بکر را اشغال می‌کند.

از طرف دیگر دو جنبه حادثه اخیر، موضوع ترور سلیمانی را تحت الشعاع قرار داد: یکی به لحاظ حقیقت چگونگی سقوط هواپیما و دیگری عواقب اقتصادی آن که برای هر کشته شاید میلیون‌ها خونبها از ایران طلب کنند و خسارت مربوط به هواپیما و این که اصلاً امنیت هوایی ایران به زیر سؤال رفته و از جمله المان اعلان کرد تا اطلاع ثانوی هواپیماهای المانی به ایران پرواز نخواهند کرد.

اما حقیقت علت سقوط نیز باز دو جنبه دارد: یا موجب سقوط هواپیما از درون هواپیما بوده، مثلاً بمبی منفجر شده یا همانطور که در ابتداء از طرف مأمور ایرانی مطرح شد اشکال فنی موجب سقوط شده است. یا این که علت برونی داشته، مثلاً راکتی بدان اصابت کرده یا بر اثر تأثیر خارجی بر سیستم هدایتی، کنترول هواپیما از دست خلبان خارج گشته. زیرا اگر در سقوط، علت درونی مؤثر بوده باشد، ایران هیچ گونه مسؤولیتی ندارد. اما در مورد علت خارجی، به ویژه اگر بر اثر اصابت راکت زمین به هوا از ایران باشد، دیگر معلوم است که ایران مقصر است.

مسؤولیت این که از داخل ایران راکتی پرتاب شده باشد بر عهده ایران است. حتی اگر اینکار را یک دستگاه جاسوسی خارجی یا یک گروه تروریستی انجام دهد. چون که مسؤولیت این که امنیت هوایی تأمین باشد بر عهده حکومت است. از طرف دیگر حاکمیت جمهوری اسلامی به هیچ وجه حاضر نیست بپذیرد که مسلط بر اوضاع کشور نبوده و افراد یا دستگاهی، چه داخلی و چه در خدمت یک دولت یا دستگاه خارجی اینکار را بکنند. نظیر این موضوع در گذشته دستکم یکبار دیگر زمانی که قتل‌های زنجیره‌ای واقع شد، اول کوشیدند خبرش پخش نشود و کمتر مورد توجه باشد. بعد که خاتمی تصمیم گرفت موضوع روشن شود، گروهی در دستگاه امنیتی پیدا شد که آن را بانی این کار معرفی کرده و دستکم یک نفر به نام اسلامی را به زندان انداختند که همانجا هم کشته شد یا خودکشی کرد. مثل این که گفتند مواد ظرف شوئی خورده بوده و به هر حال با کشته شدن یک نفر در زندان قال قضیه را کردند. حالا خبر رسیده که مقامات ایرانی مسؤولیت اصابت راکت را پذیرفته‌اند. حالا چطور سناریوئی را برایش بسازند، داستانی خواهد بود به جای خود. فقط عین کمنتار ترمپ را تکرار کردند که زدن هواپیما از روی اشتباه صورت گرفته است.

۱۴ جنوری ۲۰۲۰ - پریشب در اخبار بود که مردم در شهرهای ایران، در تهران، اصفهان، شیراز و ... به خیابان‌ها رفته و شعار می‌دادند که دروغ گفتن را بس کنید، دولت و رهبر را نمی‌خواهیم و دیشب خبر مربوط به تعداد اعتراض کنندگان خیابانی به ۳ هزار نفر تقلیل یافت. همان پریشب ترمپ باز خطاب به مردم ایران، حتماً به فارسی، کار اعتراض کنندگان را تأیید کرده بود. مهم‌تر این که هم در محتوای اعتراضات مردم و هم در تأیید ترمپ بر دروغ‌گویی تأکید شده بود.

دیشب در مصاحبه تلویزیونی "هارت آپر فیر" در شبکه اول المان یکی از وزرای سابق عضو حزب مسیحی دموکرات که اکنون رئیس شورای خارجی مجلس المان است به نام Norber Roettgen سلیمانی را بزرگ‌ترین تروریست

خواند که دستانش به خون صدها امریکائی آلوده بود. این گونه جو تبلیغاتی را ایجاد کرده اند. سلیمانی را تروریست معرفی کرده و دروغ بودن توجیه سقوط هواپیما را تکرار می کنند.

من باز دیشب به این دروغ گوئی فکر می کردم. نزدیکی سحر که بیدار شدم دیگر نمی توانستم این فکر را از سرم دور کنم. مگر دروغ چیست؟ پوشاندن حقیقت و اعلان مطالبی که خلاف حقیقت است به جای آن. اما امروزه دیگر کسی از حقیقت صحبت نمی کند. امروزه می گویند اینفورماسیون / اینفورمیشن = اطلاع، آگاهی از آنچه مربوط به مناسبات درونی و بیرونی یک شیء است که این در علوم مختلف، معانی و تعابیر مختلف دارد و اگر در اطلاعات مربوطه اشتباهی باشد، بدان اطلاعات اشتباه گویند و اگر این اطلاع به خاطر منافع گوینده به عمد خلاف واقع باشد بدان دس اینفورماسیون = اغوا گویند. البته ترمپ در این زمینه مفهوم دیگری را نیز ابداع کرده. او در باره ادعاهای کذب خود، از اطلاعات بدیل سخن می گوید و درستی اطلاعات در نظر او بستگی دارد به این که مطابق میل او باشد یا نه و هنگامی که لازم باشد اطلاعات بدیل را با تویترهایش منتشر می سارد. حال او در مورد خبر زدن هواپیما ایران را دروغگو می خواند. این جز ریاکاری نیست.

گذشته از آن باید دید اغواگری از طرف چه کسی بوده است و دلیلش چه بوده. مأمور ایرانی در باره آن واقعه در ابتداء ایران را میرا اعلام کرده بود که در مرحله بعد آن را کار خود ایران اعلام کردند. سؤال اصلی این است که هواپیما را چه کسی زده است. هواپیما از فرودگاه امام خمینی به پرواز درآمده و در نزدیکی اسلامشهر در جنوب تهران سقوط کرده است، یعنی در فاصله ای کوتاه و مأموران ایمنی هوایی فرودگاه می دانسته اند هواپیما بلند شده. اما کسی که راکت را به سوی هواپیما پرتاب کرده، آیا نمی دانسته یا که می دانسته که آن هواپیمای مسافربری است؟ در مورد این اطلاعات ضد و نقیض که بلافاصله امریکا اعلام کرد ایران هواپیمای اوکرائینی را زده است و از جانب ایران گفته شد علت، اشکال فنی بوده است، از امریکا گفته می شود اطلاعات ماهواره ای امریکا مأخذ آن است اما از جانب ایران نه گفته می شود چه کسی راکت را پرتاب کرده و به دستور کی و نه این که بدون اطلاع یا با اطلاع این که هواپیما از فرودگاه بلند شده بود، هیچ کدام را ایران نمی گوید.

آخر سر می گویند پاسداران هواپیما را زده اند. نه به حرف ترمپ که به صراحت از اطلاعات بدیل سخن می گوید می توان باور داشت و نه به حرف ایران که به لحاظ یک نظام استبدادی دروغ گفتن یا مصلحت گوئی از ویژگی های آن است. آیا ممکن نیست پرتاب راکت کار افراد نفوذی باشد؟ البته گفتن این سخن تجاوز به حدود و ثغور نظامی و امنیتی ایران تلقی می شود و هیچ کس نباید در این مورد سخن گوید. جالب اینجاست که ترمپ از فاصله چند هزار کیلومتری و متکی بر اطلاعات ماهواره ای می گوید اینکار سهوی انجام شده است.

در نهایت یک پرسش باقی می ماند: مأمور ایرانی که با راکتی هواپیما را زده است، چگونه بدون کسب اطلاع از مأموران ایمنی پرواز فرودگاه امام خمینی که در نزدیکی محل بوده و اجازه پرواز را صادر کرده اند، راکت را پرتاب کرده است؟ آیا مأموران ایمنی پرواز فرودگاه و دستگاه های امنیتی با هم تماس ندارند؟ و نمی توانند با همدیگر ارتباط بگیرند؟ یا این که شاید همدیگر را قبول نداشته باشند؟

یک آموزش را می توان از این واقعه گرفت و آن این که دستگاه های امنیتی نظامی ایمنی هوایی می باید با دستگاه های غیرنظامی مراقبت ایمنی هوایی همکاری داشته باشند وگرنه اینکار قابل تکرار است. اینها می باید زیر نظر یک

سازمان ایمنی هوایی عمل نمایند که هم ایمنی پروازها را مراقبت و کنترل کند و هم تردد هوایی غیرمجاز را. این موضوعی است که قاعدتاً باید به فکر مسئولین ایمنی هوایی افتاده باشد. اما اینجا نیز خلق و خو و عادات استبدادی بر

سر راه انجام این همکاری هستند. - ۱۴ جنوری ۲۰۲۰